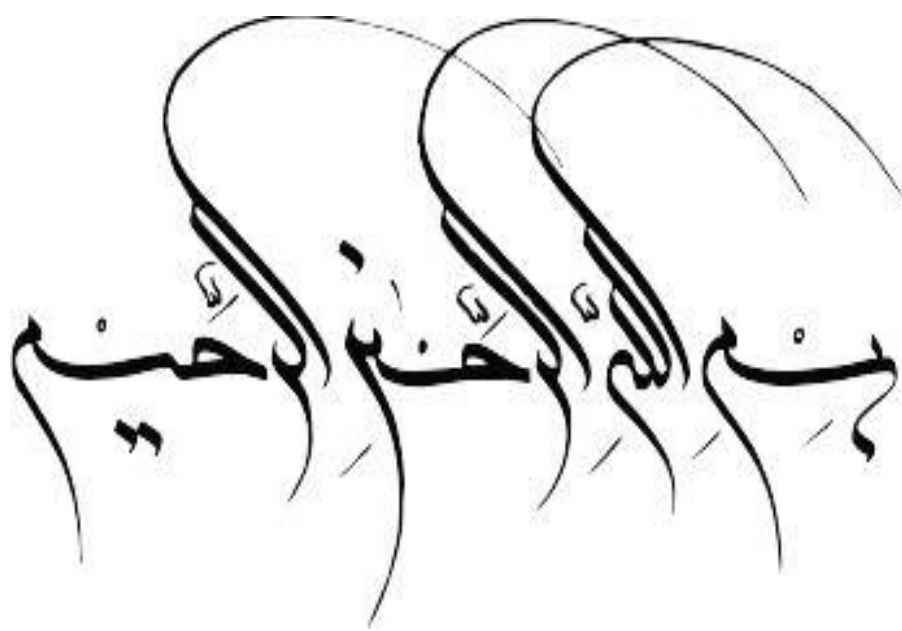




# حقوق جهانی بشر

تهیه کننده: روح الله همت

علامه محمد تقی جعفری



و آنچه با کمال مراعات به خدمات پیامبران در جهت آزادی و تمدن می دارند و خداوند الهی را شایسته تمدن ها دانسته است.  
در واقع نیازمند رسالت بر مبنای تساوی های دوازده گانه و اتحادی های سه گانه و برخورداری از حیات معقول است که مبنای اساس حقوق بشر  
بر اساس تجلی گاه همه ادیان و یعنی دین ابراهیم (ع) است.

تساوی های دوازده گانه: (۱) تساوی در ارتباط با خالق (۲) تساوی در آن حکمت الهی که ایادان ها را آفرینانده و آنان را  
در مسیر هدف های قرار داده که همه آنان می توانند با هم همکاری می سازند به آن هدف برسند (۳) تساوی انسان ها  
در شایستگی رسیدن روح الهی در همه آنان (۴) تساوی انسان ها در کثرت شدن بزرگای معرفت در درون خود  
آن ها (۵) تساوی در عامل کمال که متن کلی ادیان الهی است (۶) تساوی در کرامت ذاتی (یا کرامت اولی) که خداوند همه  
انسان ها را با آن مورد عنایت قرار داده است (۷) تساوی در استعداد تحصیل کرامت ارزشی و شایسته و برخورداری از آن  
(۸) تساوی در هدف گیری های کلی (۹) تساوی مبدأ خلقت انسان ها (۱۰) تساوی در ماده اصلی خلقت  
(۱۱) تساوی در ماهیت و مختصات که همه انسان ها دارند (۱۲) تساوی در برابر حقوق طبیعی و وضعی و حقوقی که برای تنظیم  
زندگی طبیعی و حیات معقول انسان ها ضرورت دارد.

اتحادی های سه گانه: (۱) اتحادی فوق و درگاه و کرامت های طبیعی (۲) اتحادی ذاتی از جاذبه کرامت ارزشی الهی میان انسان ها  
و شایسته (۳) اتحادی در شکل گروهی.

انقسام شخصیت انسان ها: (۱) عدم رسیدن به مرحله رشد و تکامل و عدم هیچ گونه معرفت و فرهنگ و علم به انسان های ابتدایی  
(۲) انسان هایی که تا حدودی در مسیر رشد هستند و دارای درجه ای از معرفت و نیز برای زندگی اجتماعی همراه با توانایی برخورداری از آن هستند  
(۳) پیش تر از گروه قبلی و معتقد به علم برای دنیا از عالم ما فوق هستند و اعمالی علاوه بر حیات طبیعی محض برای ارتباط با ما دارد  
و ادویش می گیرند (۴) پیروان ادیان حقه و عقاید مخصوص دارند و جامع مشترک آن ها، دین حضرت ابراهیم (ع) است (۵) مسلمانان  
که علاوه بر همه انبیاء و پیامبران اسلام را قبول دارند (۶) اسلام (ملاک ارزشی در پنج قسم مذکور) و کمال انسانی و شایسته است  
(۷) انسان های رشد یافته و دارای دین و توانا و شایسته کرامت ذاتی هستند.



حقوق مشترک انسانها (الف) حقوق حیات (ب) حقوق کرامت ذاتی (ج) حقوق کار و فعالیت (د) حقوق تعلیم و تربیت (ه) حقوق آزادی مسؤلانه.

چرا باید وجود منابع اولیه اسلامی و عدالت و خواستی مسلمانان نسبت به دیگر اقوام و ملل حقوق بشر از دیدگاه اسلام عرضه شده است؟  
 (۱) کشورهای و اقوام مختلف به صورت کشور درآمده اند (پدیده ای تازه) و بر حقوق کار و در بدین قوانین و حقوق متحد و مشترک افزوده شده  
 (۲) طوافیت جوامع اسلامی برای ادا نه سلطه خود مانع اجرای اسلام حقیقی و واقعی بودند.

ضمیمه اجرایی پذیرش  
 حقوق و تکالیف  
 تکلیف اشخاص  
 الزام از ضرورت تبعیت از سیاست اداره کننده جامعه باشد و انسان کشور فدای سیاست است  
 مذکور به نیر و مندرین شامل پذیرش و اجرای حقوق و تکالیف.

یکی از اساسی ترین علل ضرورت تحقیق و اثبات موضوعات و قضایای ارزشی حقوق بشر، انکار و تردید برخی نویسندگان و مفسران غربی درباره قابل اثبات بودن موضوعات ارزشی است که عبارتند از: (۱) اصل قدرت، انتخاب اصل و انتخاب طبیعی  
 (۲) تأثیر غریزه جنسی بر تمام زندگی و زیربنای تاریخ (۳) نداشتن اجتماع تحت تأثیر امور اقتصادی (۴) نظریه اقرائش جمعیت جنسی و اقرائش برادری به صورت مساوی و تقویب خنثی (۵) نظریه اصل ماده و فرمای ارزشهای انسانی (۶) ترویج ماکیاوی گرایی نه تنها در فعالیت های سیاسی بلکه در علم و معرفت به صورت بیگانگانه نسیم افراطی.

موضوعات مورد بررسی حقوق بشر

(۱) انسان و منبع انسان و تفریق انسان به یک حیوان خودخواه که تمام هستی را برای خود می خواهد و فکر و فکری جز این ندارد که من حیف و دیگران وسیله من باشند (هابس) کرامت ذاتی

(۲) حیثیت ذاتی انسانها و بدون آن رسیدن به صلح و آزادی و عدالت ممکن نیست.

(۳) اعضای خانواده بشری و نیروی حیات و عامل بقیت زندگی. انسان به جهت نیروی عظیم حیات و دارای حاصل محرک برای بقا و استمرار در ذات خود است.

(۴) برادری و برابری و نگاه به این که کشورهای قوی تر و برادر بزرگ تر کشورهای ضعیف هستند یا اندک برابری و مدار اداره کشورهای و جهان و پذیرش مساوات اشخاص در زمینه حکومت.

(۵) امر و ابعاد و ستانه (۶) روح بشریت و اثبات روح از دید مفهوم خیالی و اثبات معنای بشریت.



(۷) حقوق بندگان، که در طول تاریخ، یک حقیقت انواری تجلی بوده است (۸) آزادی، اگر به معنای بی بندوباری باشد، به معنای از دست رفتن با عظمت ترین امتیاز روحی انسان است (۹) صلح (۱۰) عدالت (۱۱) بالائز آمان سبزی (۱۲) عقل و وجدان (۱۳) توفیق عقل و مرحله ظهور آن و انبساط و عبادت و مقابله آن با خطر (۱۴) حیات (۱۵) عقیده (۱۶) نسبت به عقیده و کیفیت ظهور آن (۱۷) ایمان مطلق متحد و عقیده انبساط ظهور ادیان مختلفه با زمینه مشترک دین خفیه ابراهیم و...

مقایسه حقوق بشر در اسلام و غرب و مشترکات و تفاوت ها

دوم اصل کرامت

مشرکات (۱) تضمین کرامت ذاتی برای همه انسان ها (۲) هیچ انسانی توان بدون علت تجاوز محقق نمود.  
(۳) کرامت ذاتی انسان ها موجب آن شده است که آنان حقوق و تکالیف خاصی را در انبیا این حق دارا بوده باشند.  
(۴) هر گونه شکنجه یا آزار، یا هر آنچه که موجب اهانت بر شودن انسانی محسوب گردد، ممنوع است (۵) شرافت و اسم و رسم هیچ کسی نباید مورد اهانت و حمله قرار بگیرد و...  
تفاوت ها (۱) تکلیف کرامت ذاتی از کرامت انسانی ارزشی، صورت گرفته است. کرامت انسانی ارزشی به حیثیت و ولای انسانی که از مراعات حقوق خویشین و دیگران و انجام تکالیف و وظائف نه با استناد به هر نوع مادی شخصی بلکه مستند به احساس عینی و وجدانی انسانی که خداوند متعال به عنوان ابرازگرین عامل ترقی و تکامل در خدا دانسان هابه و رعایت نموده است، نه چسبیده می گردد. (۲) در حين ارتکاب جرم سلب ارزش انسانیت، حق کرامت از انسان سلب می شود یا متزلزل می شود ولی در عين حال همه شؤون حیاتی چنین فردی مراعات می شود. (۳) در اسلام حق زیستن در یک محیط پاک از نظر اخلاقی توفیر شده ولی در غرب این طور نیست.

سوم اصل تعلیم و تربیت اساسی ترین عامل اصلاح حقوقی، تعلیم و تربیت صحیح است. به علاوه بهر شناخت حق حیات، حقیقت و حقوق اساسی کرامت ذاتی و کرامت انسانی ارزشی، آزادی مسئولانه، اصل مساوات و بحث مشروع در تعلیم و تربیت است.



# چهار رکن اساسی تعلیم و تربیت

## ۱. مبانی تعلیم و تربیت

منابع اولیه اسلام که باید در گنجینه انسان آموخته شود و آموخته شدن باید باشد (۱)  
 اصول و قواعد و حقایق که در اسلام برای تعلیم و تربیت مورد بهره برداری قرار می گیرد.  
 تضایق و استواری کلماتی آمده از چهار منبع فوق و با تحقیقات تجربی و مشاهدات

(۱) قرآن و نهان دهنده طریق و فعلیت و سائنس استواردهای مثبت انسانی (۲) سنت پیامبر اکرم (ص) و گفتار  
 کردار و امضای عقلی و قانون گذار (۳) اجماع دانشمندان و فقهای متقی (۴) عقل.

تربیت دو کار فوق العاده انجایی دهد که بر سرعت و اساسی بودن آن تأثیر نمی گذارد (۱) تعدیل احساسات  
 خشم و عصبانیت و وابسته به غلبه حیوانی و انبساط خاطر و خنوع و خضوع که در مغز و روان انسان های مورد تربیت  
 پدید آید (۲) تلقین و قابل پذیرش شدن و انطباق و گرا با حاد از ارزش های عالی انسانی بدانسان مورد تربیت  
 موضوع مورد نظر که باید تعلیم و تربیت آن را اصلاح کند، موضوع ثابت در دین آدمی همان «من» یا شخصیت اوست.

## ۲. مواد تعلیم و تربیت

(۱) عقل (۲) قدرشناسی با ارزشها (۳) پرورش خلاقیت (۴) اخلاق و روحیات و روحیه  
 دانش (۵) تماس با اندیشه و علم (۶) ارزشهای معنوی و اخلاقی (۷) مهارت های اصولی (۸) کارآزمایی و تفکر (۹)  
 سازگاری و تجربه با زندگی خانوادگی (۱۰) مهارت های نوآور (۱۱) مهارت بدنی و روانی (۱۲) تغییر شخصیت برای سودمند بودن  
 و علاقه به آگاهی و دانش و درک حقیقت (۱۳) پیوند آوردن علاقه های پایدار (۱۴) صلاح جوئی (۱۵) تجدید مداوم و  
 تجدید اندیشه و تشریح و تفسیر و تامل است.

## ۳. تعلیم و تربیت، معتمد و مربی است.

انواع معتمد و مربی: (۱) توسعه دهنده توان بعد مایشینی بشر و آنچه که از وی می خواهند هستند. مانند مربی بازی و ورزشگری  
 (۲) مربیانی که با انسان های موجود در زندگی تاریخ و محیط و در این جهان خاده است. موجوداتی که نیازهای معین  
 دارند و باز رفع نیازهای خود، زندگی خویش را صحیح و سودمند می دانند (۳) معتمدانی که با انسانی موجود در زندگی و دارای  
 بعد مایشینی و بعد فوق مایشینی (روح) است.



شماره ۱ معتمد و مربی ۱- دارا بودن معتمد و مربی اخیر اگر تعلیم می دهد و اخیر اگر به عنوان تربیت می خواهد در آن ها  
 به وجود بیاورد ۲- معتمد و مربی باید اخلاص در کار داشته باشد ۳- ادامه فعالیت و تقابلی معتمد و مربی در تکامل خود  
 ۴- ایمان معتمد و مربی به کاری که انجام می دهد ۵- عشق و علاقه معتمد و مربی به تربیت تکاملی معتمد و تربیت دینار ۶- استعداد  
 از خدا

#### ۴- انسان مورد تعلیم و تربیت:

۱- اصول کلی درباره انسان های مورد تعلیم و تربیت ۱- خصوصیت سالیان زندگی انسان های مورد تعلیم و تربیت ۲- خصوصیات  
 هر قسمتی از سالیان زندگی افراد ۳- تعلیم و تربیت متفاوت ۲- هر اندازه انسان مواد تعلیم و تربیت را با اهمیت تر تلقی کند  
 تاثیر بیشتری را نتیجه می گیرد ۳- ضرورت تطابق طرز رفتار و عملی انسان های مورد تعلیم و تربیت با فعالیت های معلمان و تربیان  
 ۴- وقت شناسی در برابر انتقال انسان های مورد تعلیم و تربیت از دوران احساس به دوران تفکر ۵- ایجاد علاقه شدید برای  
 سؤال و مطالعه دلیل برای قضایا در آن های مورد تعلیم و تربیت

#### مشکلات و تفاوت های نظام حقوق شرع و اسلام

مشکلات ۱- اصل کلی حق تعلیم و تربیت ۲- تعریف تعلیم و تربیت در مسير امکان پذیر ساختن رشد و تکامل  
 انسانی ۳- اصل اینکه پدر و مادر در انتخاب نوع تعلیم و تربیت برای فرزندانشان خود بر دیگران ترجیح دارند و...  
 تفاوت ها: ۱- در اسلام واجب تکلفی است که درباره تعلیم و تربیت برای هر کسی که توانایی آن را دارد، متوقف ساخته  
 است. در غرب فقط تحصیلات ابتدایی را متصور و لازم می دانند. ۲- حق اختیار نوع تربیت کودکان در اسلام مقید و مشروط  
 به لزوم مراعات مصلحت فرزند است از نظر ارزش های اخلاقی و احکام فطری اسلامی است اما در غرب انطور نیست  
 ۳- بی توجهی به حقوق معنویت انسان ها و جنبه روحی آن ها، همه حقوق برای زندگی مادی و مادی گاه نتیجه دیگری نمی دهد  
 (حقوق شهروندی) ۴- دعوت به خیر و کمالات انسانی علی از حقوق بسیار با اهمیت انسان ها در جامعه  
 اسلامی است و...



## چهارم اصل آزادی مسئولانه

توجه به سه موضوع دیگر برای توفیق آزادی مسئولانه لازم است:

- (۱) رهایی به باز شدن قیدار میسر و چربان اراده به طور نسبی است و لذا هیچ حالت رهایی به توضیح دهنده موقعیت بعد از برداشته شدن قید نیست. (۲) آزادی دینی و درجه دوم: [۲-۱] آزادی طبیعی محض: توانایی انتخاب یک هدف از میان اشیایی که ممکن است به عنوان هدف منظور یا انتخاب یک وسیله از میان اشیایی که ممکن است وسیله تلقی شوند [۲-۲] آزادی تصعید شده: نظاره و سلطه شخصیت بر دو قطب مثبت و منفی کار (۳) اختیار: عبارت است از اعمال نظاره و سلطه شخصیت بر دو قطب مثبت و منفی کار یا ترک شایسته با هدف گذاری خیر.

## حق آزادی در اسلام:

- (۱) آزادی عقیده: حقایق که برای اعتقاد انتخاب می شوند (۱) پیرامون اجزائی از جهان هستی را انتخاب می کنند (۲) حقایق مربوط به کل هستی (۳) حقایق مربوط به اجزائی از انسان را انتخاب می کنند (۴) حقایق مربوط به کل موجودیت انسان را انتخاب می کنند (فردی و اجتماعی) و قرار گرفتن او در امتداد زمان (گذشته، حال و آینده) (۵) حقایق مربوط به بایگنگها و شایگنگهای انسانی.

- (۲) آزادی اندیشه: باید مانع برای اندیشه باشد که عبارت است از هدف قرار دادن کشف و شناخت حیات معقول انسان ها در جهانی معقول و هدفدار.

- (۳) آزادی بیان و تبلیغ: از دیدگاه اسلام (۱) ابزار واقعیت و بیان حقایق برای کسانی که عالم بر آن هستند و واجب است (۲) در هیچ روایات تقیدی برای معلوماتی که باید بیان شود وجود ندارد (۳) کسانی که ندان یا ارزش حکمت هستند و یا با ارائه حکمت در صد معارفه و اخلاص گری هستند، نباید در بیان حکمت قرار بگیرد و

## (۴) آزادی رفتار

- (۵) آزادی از هرگونه بردگی: (۱) در موقع بیان تفصیل در ذایل اخلاق انسانی و ارزشهای والای بشری هیچ فردی نباید برده و آزاد، از جانب پیامبر گذشته نمی شود (۶)



مشترکات و تفاوت عباد حقوق بشر غرب و اسلام:

- مشترکات: (۱) همه انسان ها از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. (۲) همه انسان ها آزاد به دنیا می آیند و هیچ کس نمی تواند آن ها را بده قرار دهد. (۳) همه انسان ها باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند و -
- تفاوت ها: (۱) هیچ کس حق سلطه بر دیگری را ندارد و در حقوق بشر از دیدگاه اسلام، در همه اشکال این تسلط ممکن نیست. (۲) تصریح به اینکه همه انسان ها بندگان خداوند سبحان هستند و هیچ کس بنده و برده دیگری نیست.

بخش ۵ اصل مساوات: انسان ها در سه قسم هم قندی (نسبی) برخوردارند: (۱) تساوی در ارتباط با مبدأ و اصول عالمی هستی (۲) تساوی در ماهیت و مختصات که همه انسان ها دارای آن ها هستند (۳) تساوی قرارداد در برابر حقوق طبیعی و وضعی و دیگر قوانین که برای تنظیم زندگی طبیعی و حیات معقول انسان ها ضرورت دارد.

اتحاد های سه گانه و تساوی های دوازده گانه.

مشترکات و تفاوت عباد حقوق بشر غرب و اسلام:

- مشترکات: (۱) در نظام حقوق بشر از دیدگاه غرب همه انسان ها برابرند و اسلام، سوء استفاده از حقوق آزادی مقرر در دو اعلامیه را شدیداً ممنوع می کند.
- تفاوت ها: (۱) در نظام حقوق بشر از دیدگاه غرب مملکت و منابع تفسیر و توضیح مواد و مفاد های آن معلوم نیست. در حالی که در اسلام، منابع تفسیر خود منابع اسلامی (قرآن، سنت، اجماع و عقل) هستند و مقام هایی که می توانند تفسیر در مواد حقوق بشر دهند، کارشناسان حقوقی و قانونی و در درجه بالاتر، فقهای جامع التمهید برای ولایت هستند.
- (۲) یکی از مهم ترین تفاوت ها میان دو نظام حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب در عامل ضمانت اجراست. ۲